

## رویکردی حقوقی به ترتیبات نوین در معاهدات

### سرمایه‌گذاری<sup>۱</sup> و تأثیر آن بر توسعه پایدار

حمیدرضا نیکبخت<sup>۲</sup>، میثم بیک محمدی<sup>۳</sup>، فرهاد باقری<sup>۴</sup>\*

#### چکیده

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شریان حیاتی پیشرفت اقتصادی کشورها محسوب می‌شود که امروزه نمی‌توان هیچ کشوری را بی‌نیاز از آن دانست. مسیر اصلی ورود این جریان سرمایه را معاهدات دو یا چندجانبه سرمایه‌گذاری تشکیل می‌دهند. هرچند تا مدتی پیش هدف از جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ورود منابع مالی به کشور سرمایه‌پذیر، رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شد، با گذر زمان مشخص شد که تأکید بیش‌ازحد بر رشد اقتصادی و بی‌توجهی به توسعه پایدار به مشکلات متعددی منجر می‌شود. با توجه به فضای جدید حاکم بر جریان سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت بین‌الملل، نیاز به تمهیدات جدید و متناسب با این تغییرات مبرم است. این تمهیدات که از آنها با عنوان ترتیبات نوین یاد می‌کنیم، مانند سرمایه‌گذاری برای توسعه، همبستگی سیاستگذاری، پویا بودن، و ارتقای سرمایه‌گذاری و حمایت از سرمایه‌گذار، در پی ایجاد توسعه پایدار هم در زمینه اقتصادی و هم در زمینه محیط زیست و هم در سایر زمینه‌ها هستند. البته اجرایی شدن آنها نیازمند وجود نظام حقوقی منسجم با ضمانت‌های مشخص برای نیل به اهداف موردنظر است. این مقاله درصدد است تا با رویکردی توصیفی و تحلیلی و با روش جامعه‌شناسی حقوقی، ابتدا مفهوم ترتیبات نوین سرمایه‌گذاری را که کمتر بدان پرداخته شده است، بررسی کند. در ادامه دریابد که این مفهوم چه ارتباطی با توسعه پایدار دارد. همچنین به کاوش در نظم حقوقی موجود در این زمینه چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی می‌پردازد و آثار ترتیبات نوین سرمایه‌گذاری بر توسعه پایدار را مطالعه می‌کند.

#### کلیدواژگان

ترتیبات نوین، تعهد به توسعه، توسعه پایدار، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی.

1. New arrangements in investment treaties

۲. استاد گروه تجارت بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳. کارشناس ارشد حقوق تجارت بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۴. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: Farhadbagheri69@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۷

## مقدمه

پیش از هر چیز ذکر این نکته برای خوانندگان خالی از لطف نیست که جوهره این موضوع اساساً میان‌رشته‌ای است و نمی‌توان بدون بررسی مبانی سایر علوم مانند اقتصاد محتوی متن را به سرانجام رساند. همچنین از آنجا که از اصلی‌ترین ابعاد توسعه پایدار حفظ محیط زیست است، در متن نسبت به سایر حوزه‌ها، تأکیدات بیشتری بر محیط زیست مشاهده می‌شود. سرمایه‌گذاری خارجی بخش جدایی‌ناپذیر نظام اقتصادی مؤثر و باز بین‌المللی است. سرمایه‌گذاری خارجی همانند کاتالیزوری در رشد و پیشرفت اقتصاد یک کشور عمل می‌کند. تعداد زیاد معاهدات دوجانبه یا چندجانبه سرمایه‌گذاری و روند رو به افزایش این پدیده شاهد این مدعاست که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با اقبال بیشتری از سوی سیاستمداران کشوری و کنشگران اقتصادی مواجه شده است (Vintila, 2010: 3). بستر اصلی برای فعالیت شرکت‌های فراملی و روانه کردن جریان سرمایه، به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و از طریق معاهدات دو یا چندجانبه سرمایه‌گذاری صورت می‌پذیرد (Irandoost, 2010: 275). بنابراین، حوزه سرمایه‌گذاری خارجی و نوع مستقیم آن، حوزه‌ای پویاست که باید به صورت متداوم خود را با تغییرات جهان پیرامون خود همراه سازد، و گرنه سودمندی آن کاهش خواهد یافت. تجربیات تلخ گذشته دور و نزدیک در خصوص بحران‌ها و رکودهای جهانی امری نیست که جامعه جهانی توان مواجهه مجدد با آنها را داشته باشد. همچنین علاوه بر تلاش برای علت‌یابی و راه‌حل در خصوص افت میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نکته دیگری که توجه پژوهشگران و سیاستمداران را به خود جلب کرد، آن بود که آیا سرمایه‌گذاری خارجی به مانند گذشته همچنان امری مطلقاً سودمند است یا خیر. این حوادث موجب شد تا جامعه جهانی به چند نتیجه اساسی برسد؛ اولاً، ادامه شیوه فعلی تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی به مقصد مناسب و خوشایندی منتهی نخواهد شد و در واقع رویکرد فعلی بین‌المللی ناکارآمد است (Puchala *et al.*, 1989: 42)؛ ثانیاً، نیاز به تغییرات عمده در سیاست‌گذاری‌های حوزه سرمایه‌گذاری خارجی، چه در سطح ملی و بین‌المللی و چه در سطح خصوصی وجود دارد؛ ثالثاً، پیگیری سوداگری کوتاه‌مدت از سوی سرمایه‌گذاران خارجی، که اغلب با استثمار بی‌رویه منابع طبیعی همراه است، از عوامل اصلی وقوع بحران‌های اقتصادی است؛ رابعاً، توجه به توسعه پایدار در وجه زیست‌محیطی و در وجه اقتصادی آن، دو روی یک سکه‌اند و نیاز به تلاش همزمان برای دستیابی به هر دو آنها وجود دارد؛ خامساً، توجه به این نکته که توسعه ابعاد متفاوتی دارد که رشد تنها یک بعد از آن است و حرکت به سوی تولید ارزش افزوده نباید مورد غفلت واقع شود؛ و سادساً، دیگر نمی‌توان کشورهای در حال توسعه را از میدان بازی به‌در کرد و باید فضای کافی برای تأثیرگذاری، اعمال نفوذ و سیاست‌گذاری را برای آنها فراهم ساخت. البته نتایج مذکور

قبلاً تا حدی حاصل شده بود که این موضوع سبب شد تا سازمان ملل متحد از سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان عاملی بالقوه که می‌تواند هم به‌عنوان مانع و هم به‌منزله محرک توسعه عمل نماید یاد کند (Lowe, 2007: 2) و کشورهای عضو سازمان را به «پیگیری و ایجاد سیاست‌هایی که موجب حصول اطمینان کشورهای در حال توسعه از دستیابی به سهمی منصفانه از استخراج و تجارت منابع طبیعی آنها توسط سرمایه‌گذاران خارجی شود»، فراخواند. اما جامعه جهانی باید بحران را از نزدیک لمس می‌کرد تا به لزوم حرکت جدی در این راه پی می‌برد. در این مقاله که متشکل از سه قسمت است، سعی شده است تا با توضیح مختصر در خصوص اصول سنتی سرمایه‌گذاری خارجی و اشاره به مصائب ناشی از این دیدگاه سنتی، با پیشنهاد جایگزینی این ترتیبات نوین با سلف خود، علت نیاز به تغییر شیوه سرمایه‌گذاری خارجی و فراهم‌آوری فضا برای نقش‌آفرینی گسترده‌تر کشورهای در حال توسعه تبیین شود. در واقع تمرکز نگارندگان مقاله حاضر معطوف بر تغییر مبانی سرمایه‌گذاری خارجی، اغلب به‌علت تغییر نقش کشورهای در حال توسعه از یک سو و بحران‌های متعدد اقتصادی در نتیجه اعمال این مبانی سنتی و در نتیجه تأکید بر فراهم بودن شرایط حقوقی برای بنیان نهادن قواعد سودمندتر سرمایه‌گذاری، که با قواعد توسعه پایدار اقتصادی و زیست‌محیطی سازگارتر باشد، است؛ در قسمت اول به تبیین مفهوم و حوزه ترتیبات نوین و شرایطی که موجب نیاز به ترتیبات نوین شده است، در قسمت دوم به ارتباط میان مفهوم توسعه پایدار و ارتباط آن با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و چگونگی افزایش سودمندی اقتصادی از طریق اعمال مفاهیم توسعه پایدار در سرمایه‌گذاری، و در قسمت سوم به مبانی نظام حقوقی این ترتیبات نوین سرمایه‌گذاری و شکل‌گیری زمینه مناسب برای دیدگاه بین‌المللی در مواجهه با ترتیبات نوین به‌منظور تثبیت آن پرداخته شده است.

### مفهوم ترتیبات نوین و تعیین حوزه این مفهوم

منظور از ترتیبات نوین سرمایه‌گذاری مجموعه اصول و قواعدی جدیدالحدوث است که رشد مستمر، همه‌جانبه و قطعی و توسعه پایدار را در صدر تمام تلاش‌ها و سیاست‌گذاری‌های مربوط به جذب و بهره‌جستن از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قرار می‌دهند (Lowe, 2007: 5). در واقع ترتیبات نوین را می‌توان علت افزایش ظرفیت اقتصادهای ملی و منطقه‌ای و بخش عمومی هر اقتصادی، به‌منظور تحول در چارچوب‌ها و شرایط یک کشور، برای تبدیل آن کشور به مقصدی جذاب برای سرمایه‌گذاری و همچنین گسترش سرمایه‌گذاری مسئولانه همراه با تقویت زنجیره جهانی عرضه و تأمین کالا دانست. مسائل مربوط به توسعه پایدار، از جمله نگرانی‌های مربوط به مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و کاهش فقر، به‌علاوه مسئولیت سرمایه‌گذار در این

حوزه، به خودی خود موضوعات جدیدی نیستند. اولاً، مفهوم ترتیبات نوین دربرگیرنده موضوعات و راهکارهای مربوط به انتفاع مستمر از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز می‌شود و توسعه پایدار مسئله اخیر را نیز در برمی‌گیرد؛ ثانیاً، تا به امروز اغلب راه‌حل‌هایی که در خصوص توسعه پایدار مطرح شده، به‌عنوان یکی از موضوعات اصلی در مباحث مربوط به سیاست‌های سرمایه‌گذاری مطرح نبوده است و وفاقی جهانی در این زمینه وجود ندارد (Nagaraja, 2013: 41). اما هدف این ترتیبات نوین همبسته ساختن نظام‌مند توسعه پایدار و اجرایی کردن آن از طریق اقدامات و راهکارهای ملموس در سطح ملی و بین‌المللی و همچنین در سطح سیاست‌گذاری و در سطح اجرایی است (UNCTAD, 2012a: 5). در خصوص ترتیبات نوین سرمایه‌گذاری به‌صورت عام می‌توان گفت که خصلت اصلی این مفهوم در شناسایی سرمایه‌گذاری به‌عنوان عامل اصلی رشد اقتصادی و توسعه و (OECD, 2015: 1) تمایل به دستیابی به توسعه پایدار از طریق سرمایه‌گذاری مسئولانه و همچنین ایجاد آگاهی و شناخت مشترک از نیاز به گسترش سرمایه‌گذاری مسئولانه به‌عنوان مرکز ثقل رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال است (UNCTAD, 2012a: 6). در خصوص سیاست‌هایی که ترتیبات نوین در مورد آنها متمرکز است، باید گفت که آنها رهنمودهایی در زمینه سرمایه‌گذاری، با تأکید بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مفید و مؤثر برای کشور سرمایه‌پذیر و کشور سرمایه‌فرست ارائه می‌دهند. از جمله این مسائل ورود سرمایه، رفتار با سرمایه‌گذار خارجی و ارتقای آن است. البته با تعمق بیشتر می‌توان به این نتیجه رسید که ترتیبات نوین سرمایه‌گذاری فراتر از صرف سرمایه‌گذاری خارجی است و سایر موارد این حوزه را، چه از بعد کلان از جمله تعیین خط‌مشی سیاست‌گذاری اقتصادی کشور به‌خصوص در زمینه زنجیره ارزش افزوده و چه از بعد خرد همچون سیاست حمایت از سرمایه‌گذاران تحت یک معاهده خاص، نیز در برمی‌گیرد. از آنجا که ترتیبات نوین سرمایه‌گذاری کدام‌یک از اقسام سرمایه‌گذاری را در برمی‌گیرد، باید گفت که اولاً ترتیبات نوین ناظر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است و جز در مواردی که به‌صراحت ذکر شود، سرمایه‌گذاری غیرمستقیم را در برنمی‌گیرد. همچنین، ترتیبات نوین اغلب کشورهای سرمایه‌پذیر را خطاب قرار می‌دهند، چراکه تأثیر اقدامات کشور سرمایه‌پذیر در روند سرمایه‌گذاری ملموس‌تر است؛ هرچند این ترتیبات از اهمیت استراتژی‌های توسعه‌مدارانه کشور سرمایه‌پذیر نیز غافل نیست (UNCTAD, 2012a: 9). دقیقاً به همین دلیل است که اتخاذ این ترتیبات هم توسط کشورهای توسعه‌یافته و هم کشورهای سرمایه‌پذیر مطلوب و لازم به‌نظر می‌رسد (OECD, 2015: 2). موضوع مهم دیگری که نیاز به توضیح دارد، آن است که ترتیبات نوین سرمایه‌گذاری به‌طور همزمان هم جذب سرمایه خارجی و هم تأثیرات ناشی از این سرمایه‌گذاری را مدنظر قرار می‌دهند. بدین ترتیب که از یک سو این ترتیبات موجب جذاب‌تر شدن یک کشور از نظر سرمایه‌گذاران خارجی می‌شوند و از سوی دیگر، این ترتیبات موجب

می‌شوند تا کشورها از سرمایه‌گذاری خارجی حداکثر نفع لازم در مسیر توسعه پایدار را ببرند (UNCTAD, 2012a: 9).

### اصول و مبانی ترتیبات نوین

هدف از ترتیبات نوین سرمایه‌گذاری خارجی، همان‌طور که بیان شد، پیشبرد توسعه منافع حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی در سطح ملی و بین‌المللی است و این اهداف از طریق معرفی این ترتیبات که ماهیتاً غیرالزام‌آورند، پیگیری می‌شوند. از این‌رو این ترتیبات هنوز در قالب حقوق قوام‌نیافته قرار دارند. پس ایجاد مبنایی حقوقی - قانونی الزام‌آور اولین نیاز برای عملی‌سازی این ترتیبات است. پیشینه اصول ترتیبات نوین را می‌توان در بسیاری از اسناد مهم بین‌المللی یافت؛ در ماده ۵۵ منشور ملل متحد به ارتقای اهداف پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی اشاره شده است. در اهداف توسعه هزاره نیز همکاری جهانی برای توسعه مطرح شده و به‌طور خاص در هدف هشتم، بند اول، در خصوص سیستم تجاری و مالی باز، متکی بر قانون، قابل پیش‌بینی و غیرتبعیضی ترغیب صورت گرفته است که این مفاهیم در مسیر توسعه‌ای قرار دارند که ترتیبات نوین نیز به دنبال آنهاست.

از نمودهای شکست تفکر سنتی حاکم بر سرمایه‌گذاری خارجی و اهداف و منافع ناشی از آن، کنار گذاشته شدن اجماع واشنگتن بود؛ مطرح شدن اجماع مونته‌ری<sup>۱</sup> نشانی مستحکم بر ظهور نظامی نوین و مبتنی بر ترتیبات نوین سرمایه‌گذاری خارجی توسعه‌محور است. در این سند به‌صراحت به حیاتی بودن نقش سرمایه‌گذاری خارجی و ثبات نظام مالی بین‌المللی برای توسعه ملی و جهانی اشاره شده و بر ایجاد فضایی برای توسعه به‌خصوص کشورهای کمتر توسعه‌یافته و در حال توسعه تأکید شده است. به همین منوال می‌توان به بسیاری از اسناد دیگر، از جمله برنامه اجرایی ژوهانسبورگ سازمان ملل<sup>۲</sup>، برنامه استانبول سازمان ملل برای کشورهای کمتر توسعه‌یافته<sup>۳</sup>، که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به ترتیبات نوین تأکید دارند، اشاره کرد. ماحصل تمامی این اسناد را می‌توان در چندین اصل اساسی، که از آنها با عنوان اصول ترتیبات نوین یاد کردیم، خلاصه کرد. در ادامه از این اصول نام می‌بریم و به توضیح مختصر هر یک می‌پردازیم.<sup>۴</sup>

سرمایه‌گذاری برای توسعه پایدار: سرمایه‌گذاری باید با هدف دستیابی به رشد قطعی و

1. Monterrey Consensus

2. UN Johannesburg Plan of Implementation

3. The 4th UN Conference on LDCs (the Istanbul Programme)

۴. شایان ذکر است که عناوین اصول و شرح مختصر آنها در این قسمت اغلب براساس و برگرفته از سند پیشنهادی آنکتاد است.

ارتقای توسعه پایدار باشد. همبستگی سیاستگذاری: ترتیبات نوین سرمایه‌گذاری باید وارد استراتژی کلی توسعه کشور شوند و با برنامه‌های اقتصادی داخلی و خارجی کشور هماهنگ باشند. پویا بودن: ترتیبات نوین باید به‌طور مستمر و متداوم بازبینی شوند تا سودمندی آنها کاهش نیابد و با جریان در حال تحول توسعه و سرمایه‌گذاری هماهنگ باقی بمانند. تعادل حقوق و تعهدات: ترتیبات نوین سرمایه‌گذاری باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که بین حقوق و تعهدات سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر تناسب وجود داشته باشد. باز بودن فضای سرمایه‌گذاری: ترتیبات نوین نباید به‌گونه‌ای طراحی شوند که موجب از بین رفتن آزادی اقتصادی، باز بودن، ثبات و قابل پیش‌بینی بودن فضای سرمایه‌گذاری شوند. حمایت از سرمایه‌گذاران: ترتیبات نوین باید ضمن حفظ حق حاکمیت و قانونگذاری کشور سرمایه‌پذیر، حمایت‌های لازم را برای سرمایه‌گذار خارجی و بدون تبعیض ارائه دهند. ارتقا و تسهیل سرمایه‌گذاری: ترتیبات نوین باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که همسو با اهداف توسعه پایدار باشند و از رقابت‌های دارای ریسک برای سرمایه‌گذاری جلوگیری کنند. هماهنگی حکمرانی و مسئولیت: ترتیبات نوین باید موجب اتخاذ و اعمال مناسب‌ترین رویه‌های بین‌المللی در خصوص مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و حکمرانی مطلوب شوند و بین دو مورد مذکور تناسب ایجاد کنند.

## مفهوم توسعه پایدار و ارتباط آن با ترتیبات نوین سرمایه‌گذاری

### مستقیم خارجی

توسعه در مفهوم عام و کلی آن به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظم اجتماعی به‌سوی زندگی بهتر یا انسانی‌تر است (تودار، ۱۳۸۸: ۲۳)، اما توسعه‌ای را به‌طور معمول توسعه پایدار می‌نامند که نیازمندی‌های حاضر را بدون لطمه زدن به توانایی نسل‌های آینده در تأمین نیازها برآورده می‌سازد (فراهانی فرد، ۱۳۸۴: ۱۱۴). اقدامات در جهت نیل به توسعه همه‌جانبه، تأثیرات نامناسبی نیز بر جهان ما بر جای گذاشته است؛ گرم شدن زمین، آسیب وارد شدن به لایه ازن، از بین رفتن گونه‌های مختلف جانوری و گیاهی، فرسایش خاک، آلودگی هوا و آلودگی آب همگی از مشکلات کنونی جهان هستند که تأثیر عمده‌ای بر زندگی بشر و جمعیت انسان‌ها دارند (Banerjee, 2003: 143). باید توجه کرد که این آسیب‌ها برای مردم فقیر روستا در جهان سوم بسیار شدیدتر است و همچنین است نسبت به مردمی که از طریق کشاورزی ارتزاق می‌کنند (Banerjee, 2003: 144). ملت‌ها موضوع تأثیر متقابل سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه پایدار را اغلب با یکی از سه دیدگاه تجاری، زیست‌محیطی و توسعه‌ای ارزیابی می‌کنند. البته این دیدگاه‌ها یکدیگر را منتفی نمی‌سازند و معمولاً برای ارائه تفسیر نسبتاً جامع به استفاده همزمان تمام این دیدگاه‌ها نیاز است. مطرح شدن این دست مباحث و توجه به تأثیرات

گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی، این تردید را مطرح کرده که آیا سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه پایدار مسیر مشترکی را طی می‌کنند یا با به‌دست آوردن یکی، دیگری از دست می‌رود.

### ۱. فرض اول: عدم سازگاری سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه پایدار

برخی از طرفداران دیدگاه ناسازگاری توسعه پایدار با سرمایه‌گذاری خارجی و جریان آزاد سرمایه به‌شدت به انتقاد از تأثیر سیاست‌های سرمایه‌گذاری دولت‌ها پرداخته و به شکلی افراطی دو مقوله مذکور را نامتقارن خوانده‌اند. این دسته از منتقدان معتقدند که برنامه‌ها و سیاست‌های آزادسازی تجاری به افزایش و شدیدتر شدن مشکلات محیط زیستی منجر می‌شود. همچنین استعمار بیش‌ازحد منابع طبیعی را که ملت‌ها بر مبنای آنها مزیت نسبی دارند، منجر می‌شود. این در حالی است که در صورت استفاده مناسب از این منابع طبیعی می‌تواند به افزایش رفاه در سطحی فراتر از ملی بینجامد (Munoz, 1994: 11). با کنار گذاشتن دیدگاه افراطی و توجه بیشتر به دیدگاه‌های طرفدار توسعه و محیط زیست که به نکات عملی و واقع‌بینانه‌تری اشاره می‌کنند، می‌توان نگرانی‌ها و انتقادات اصلی را در چند نکته خلاصه کرد؛ یکی از مهم‌ترین انتقادات، نگرانی از عدم انعکاس خسارات محیط زیست در قیمت کالاهاست. اگر سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی خسارات محیط زیست را در قیمت کالاها منعکس نکنند، اکوسیستم زمین به‌شدت تهدید خواهد شد (حبیبی و سلیم‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۴) که دلیل آن را می‌توان در نبود انگیزه یا صرفه اقتصادی در پایبندی به اصول توسعه پایدار دانست. نگرانی دیگر در خصوص دولت‌هایی است که بیش از اندازه از صنایع ملی خود در مقابل تأمین و رعایت استانداردهای محیط زیستی هزینه‌بر و مضر حمایت می‌کنند. با انجام این کار و اتخاذ این‌گونه سیاست‌ها توسط دولت، وضع زندگی مردم عادی بدتر می‌شود، زیرا سود این اقدامات نصیب تجار می‌شود و مردم باید هزینه‌های خسارات محیط زیستی آنها را بپردازند. از دیدگاه افرادی که پیشرفت همزمان صنعت و تجارت با حفظ استانداردهای محیط زیستی، یا به زبان دیگر دستیابی به توسعه از طریق سرمایه‌گذاری خارجی را ممکن نمی‌دانند، ایجاد سیستم قوی متشکل از قواعد و مقرراتی که به‌طور آشکار از محیط زیست، چه در سطح ملی و چه در سطح فراملی، حمایت کنند، از راه‌حل‌های مؤثر است. البته تأکید شده است که حتی پس از ایجاد چنین مقرراتی دولت‌ها و صنایع تلاش خواهند کرد که این نظام را بی‌تأثیر سازند (Nordstrom, 1999: 57). معتقدان این دیدگاه به‌عنوان نتیجه اعلام می‌کنند که تجارت بیشتر یعنی فعالیت اقتصادی بیشتر و در بسیاری از موارد، مساوی است با خسارت محیطی بیشتر. ثروت ایجادشده به‌وسیله تجارت لزوماً به بهبود محیط زیست منجر نمی‌شود. اما همان‌طور که معتقدان به عدم سازگاری نیز بیان کرده‌اند، فعالیت اقتصادی بیشتر لزوماً به بهبود وضعیت

محیط زیست منجر نمی‌شود، اما لزوماً به آسیب به محیط زیست نیز نمی‌انجامد. به نظر می‌رسد بتوان به حد وسط مطلوب دست یافت.

## ۲. فرض دوم: سازگاری سرمایه‌گذاری خارجی با توسعه پایدار

مهم‌ترین پیش‌فرضی که پایه نظریات مبتنی بر سازگاری تجارت و به‌خصوص سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه را تشکیل می‌دهد، آن است که تجارت به‌خودی‌خود برای محیط زیست مضر نیست (حبیبی و سلیم‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۳). در واقع می‌توان گفت که آزادی تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی و فعالیت اقتصادی لزوماً برای محیط زیست نه خوب است و نه بد و تأثیر موارد مذکور بر محیط زیست به حد و اندازه‌ای که اهداف تجاری و محیط زیستی یکدیگر را تکمیل می‌کنند، بستگی دارد و دستیابی به هر گونه نتیجه مثبت در این مورد مستلزم اتخاذ سیاست‌های زیست‌محیطی و اقتصادی هماهنگ و مناسب در سطح بین‌المللی است (Neumayer, 2001: 15). این دیدگاه بر دو نکته تأکید دارد؛ اولاً تجارت می‌تواند واقعاً برای محیط زیست مناسب و مفید باشد، زیرا تجارت موجب ایجاد ثروت می‌شود و می‌تواند از این طریق به ایجاد فناوری‌های دوستدار محیط زیست کمک کند؛ ثانیاً، تفکیک‌ناپذیر بودن اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی هسته مرکزی توسعه است. بنابراین با پذیرش این مطلب که مشکلات زیست‌محیطی اغلب راه‌حلی فراتر از صرف مسائل محیط زیستی دارد، پس با دید وسیع‌تر، باید در پی یافتن راه‌حل از بطن توسعه پایدار بود. به نظر می‌رسد بتوان نقطه مشترک مشکل ایجاد سازگاری بین اهداف تجاری و محیط زیستی را در مرحله اول آن دانست که مشکلاتی که کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه با آن مواجه‌اند، جنس متفاوتی دارند. درحالی‌که کشورهای در حال توسعه اغلب در این زمینه درگیر مشکل رقابت منفی<sup>۱</sup> هستند، کشورهای توسعه‌یافته با مشکلاتی همچون شفاف نبودن و بالا بودن سطح استانداردها دست‌وپنجه نرم می‌کنند (Cosbey, 2004: 21). بنابراین مشکل کشورهای در حال توسعه آن است که دولت‌ها با پایین آوردن استانداردهای زیست‌محیطی به‌دنبال جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد پناهگاه امن آلودگی<sup>۲</sup> هستند. در کشورهای توسعه‌یافته نیز مشکل از این قرار است که اولاً استانداردهای محیط زیستی این کشورها به‌اندازه کافی مشخص نیست و ثانیاً، در مواقعی نیز که مشخص‌اند، به‌حدی بالا هستند که رعایت و تطابق با آنها بسیار دشوار است (UNCTAD, 2011a: 3). به نظر می‌رسد برای رفع مشکلات بالقوه ناشی از تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی و در عین حال حفظ محیط زیست و دست یافتن به غایت توسعه پایدار، نکته‌ای در این زمینه از قلم افتاده و آن توجه به آثار تجارت بر محیط زیست است. این تأثیرات

1. Race to the Bottom  
2. Pollution Haven



را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: آثار تولیدی<sup>۱</sup>، آثار کمی<sup>۲</sup>، آثار ساختاری<sup>۳</sup> و آثار مقررات گذاری<sup>۴</sup>. هر یک از این آثار دارای عواقب مثبت یا منفی است که به نوع سیاستگذاری دولت‌ها بستگی دارد. جنبه مثبت اثر تولیدی، صادرات کالاهایی است که از نظر زیست‌محیطی نسبت به کالاهای رقیب مناسب‌ترند و اثر منفی آن افزایش صادرات کالاهایی است که خطرهای زیست‌محیطی دارند. در خصوص اثر کمی، جنبه مثبت افزایش میزان رشد اقتصادی و جنبه منفی، ایجاد آلودگی بر اثر افزایش تجارت است. نتیجه مثبت اثر ساختاری را می‌توان به‌طور مثال، ارتقای تخصیص منابع و سازوکارهای بهینه تولید و مصرف دانست و جنبه منفی آن را عدم همراهی و هماهنگی سیاست‌های زیست‌محیطی با سازوکارهای فعالیت اقتصادی نام برد. اثر مقررات گذاری نیز دارای نتیجه مثبت توانمندسازی دولت در تعقیب سیاست‌های نافع برای محیط زیست و اثر منفی اختیار دولت برای پیش‌بینی شروطی در معاهدات سرمایه‌گذاری برای عدول از مقررات پیشین زیست‌محیطی است. موارد مذکور تنها خلاصه‌ای از آثار نامبرده بود. بنابراین مهم‌ترین نتیجه این بحث آن است که نمی‌توان به‌سادگی گفت که تأثیر سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت بر محیط زیست و توسعه پایدار منفی است. بنابراین باید توجه کرد که اگر با دیدگاه واگرا پیش رویم، موجب گسترش فقر خواهیم شد و اگر با بی‌مبالاتی سیاست دوم، همگرایی، را در پیش بگیریم، موجب به خطر افتادن نسل بشر خواهیم شد. یک راه‌حل بهتر می‌تواند سیاستگذاری مناسب با توجه به آثار بلندمدت هر تصمیم و همچنین درک بهتر و بررسی بیشتر موضوعات توسعه‌ای مانند نبود منابع، نبود فناوری‌های مناسب، فقدان آموزش و فقدان تجربه باشد.

## مبانی نظام حقوقی ترتیبات نوین سرمایه‌گذاری

### ۱. نظام ملی

بسیج سرمایه برای رسیدن به توسعه از جمله علل اصلی چالش‌های جهان کنونی به‌خصوص برای کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته است. با توجه به کمبود یا نبود سرمایه کافی برای برنامه‌ریزی به‌سوی توسعه در کشورهای مذکور، سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند موجب جبران این نقصان شود. بنابراین برنامه‌ریزی مناسب برای بهره‌برداری از مزایای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی امری حیاتی در حرکت به‌سوی توسعه پایدار محسوب می‌شود. این بهره‌وری مستلزم دو امر است؛ اولاً حفظ قدرت قانونگذاری و حق بر تنظیم مقررات از سوی دولت

1. Product Effects
2. Scale Effects
3. Structural Effects
4. Regulatory Effects

سرمایه‌پذیر و ثانیاً تنظیم ترتیبات مناسب برای استفاده حداکثری از فرصت سرمایه‌گذاری خارجی. براساس یافته‌های برخی تحقیقات انجام‌گرفته در خصوص تأثیرات سرمایه‌گذاری خارجی، این نتیجه حاصل شده است که کشورهای سرمایه‌پذیر، به خصوص کشورهای در حال توسعه، بیش از آنکه به کمک اقتصادی کشورهای ممتول نیاز داشته باشند، به جذب بیشتر سرمایه و تجارت بیشتر نیاز دارند؛ تجارتي که امکان ایجاد ثروتی به میزان سالانه سیصد بلیون دلار را دارد که این میزان بسیار بیشتر از کمک‌های اقتصادی است که قصد اعطای آنها وجود دارد (Abeasi, 2012: 41). اما تنها در صورتی امکان استفاده مناسب از این سرمایه عظیم برای دستیابی به رشد قطعی و بلندمدت که با محیط زیست نیز سازگار باشد وجود دارد که کشور سرمایه‌پذیر بتواند با استفاده از قدرت قانونگذاری خود، حداقل بخشی از این سرمایه را در مسیر مناسب توسعه هدایت کند؛ مسیری که شاید سرمایه‌گذار به‌ویژه شرکت‌های فراملی تمایلی به دنبال کردن آن نداشته باشند. دلیل امر مذکور را می‌توان این‌گونه بیان کرد که همواره احتمال تعارض منافع سرمایه‌گذار خارجی، در قالب هدف حداکثرسازی سود و منفعت، و اهداف توسعه کشور سرمایه‌پذیر وجود دارد (Kumar, 2012: 59). براساس هدف حداکثرسازی سود در سطح جهانی، ممکن است برخی سرمایه‌گذاران مانند شرکت فراملی تصمیمات خود را لزوماً براساس بهره‌وری مناسب از منابع طبیعی یا اختصاص سرمایه خود در بخش‌هایی خاص اتخاذ نکنند و حتی به حربه انتقال قیمت، به معنای تنظیم قیمت کالا در معامله میان بخش‌های مختلف یک شرکت با هم، متوسل شوند. با توجه به آنچه ذکر شد، دولت‌های سرمایه‌پذیر به‌درستی به اعمال سیاست‌هایی همچون درج شروط لزوم اجرا یا عملکرد مناسب قرارداد سرمایه‌گذاری<sup>۱</sup>، مشخص کردن خط‌مشی‌های تجاری برای سرمایه‌گذاران و ایجاد سازوکارهای نظارتی برای حداکثر ساختن مشارکت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در فرایند توسعه پرداختند. همچنین به‌دلیل همان تعارض منفعی که پیشتر ذکر شد، سرمایه‌گذاران خارجی ممکن است در قالب شرکت‌های فراملی خود یا شعبات آنها به اقدامات محدودکننده تجارت دست بزنند. برای مثال، شعبه یک شرکت فراملی در کشور سرمایه‌پذیر به واردات عمده محصول یا خدمات از یکی دیگر از شعبات این شرکت که در کشور دیگری قرار دارد، بپردازد یا همان‌طور که گفته شد، برای محروم کردن کشور سرمایه‌پذیر از برخی درآمدها به انتقال قیمت بپردازند. در مقابله با این اقدامات نیز دولت‌های سرمایه‌پذیر ممکن است با استفاده از قدرت قانونگذاری خود و تصویب قوانینی در این زمینه، یا از امکانات موجود مانند موافقت‌نامه تریمز سازمان جهانی تجارت یا درج شروط مربوط به الزام استفاده از تولیدات داخل<sup>۲</sup> بهره‌جویند. بنابراین، کاملاً مشخص است که حق بر قانونگذاری از سوی دولت سرمایه‌پذیر به‌عنوان موضوعی بااهمیت در سطح حقوق سرمایه‌گذاری

1. Performance Requirements  
2. Local Content Requirements (LCRs)

خارجی مطرح است. این امر دو دلیل عمده دارد؛ اول، توجه روزافزون، به خصوص از سوی جامعه مدنی، به موضوع تضعیف حاکمیت دولت سرمایه‌پذیر برای کسب و جذب میزان بیشتری از سرمایه و رونق تجارت؛ و دوم، گسترش مواردی که تعیین قانون و مقررات در خصوص رفاه عمومی و توسعه پایدار با واکنش و چالش از سوی سرمایه‌گذاران و معاهدات سرمایه‌گذاری روبه‌رو شده است (Mann, 2012: 211). بحث در خصوص حق دولت بر قانونگذاری، محدودیت آن، تأثیر آن بر جذب سرمایه و میزان اعمال این حق، خود به بررسی جداگانه و مفصل نیاز دارد، اما آنچه به‌طور خلاصه و به‌عنوان نتیجه در این بخش می‌توان ذکر کرد، آن است که اگر به معاهدات سرمایه‌گذاری، به جای آنکه به‌عنوان سند و ابزاری برای محافظت از سرمایه‌گذار خارجی نگریسته شود، به چشم مبنایی مناسب برای ایجاد و ارتقای توسعه پایدار نگاه کنیم، به میزان بسیار بیشتر و بهتری به اهمیت حفظ حق قانونگذاری دولت‌ها و اساسی بودن آن در ایجاد ترتیباتی نوین برای رسیدن به توسعه پایدار پی خواهیم برد (Mann, 2012: 223) البته موضوع پیش‌گفته بدان معنا نیست که باید دست دولت را کاملاً باز گذاشت و از اعمال تبعیض‌آمیز و سوءاستفاده‌گرانه احتمالی دولت سرمایه‌پذیر جلوگیری نکرد؛ بازنگری در حق دولت‌ها بر قانونگذاری به معنای آن است که براساس معاهدات سرمایه‌گذاری در موارد خاص و با چارچوب مشخص باید اعمال شود. اما مسئله بااهمیت وجود و رعایت این حق است و نباید برای جذب و حفظ سرمایه خارجی و در رقابت برای جذب بیشتر آن از این حق به میزان زیادی چشم‌پوشی کرد (Trachtman, 2012: 193)، زیرا بدون قانونگذاری دولت و هدایت سرمایه در مسیر توسعه پایدار از طریق ترتیبات نوین، هیچ تضمینی در خصوص دستیابی به توسعه پایدار وجود نخواهد داشت. شایان ذکر است که دولت سرمایه‌پذیر در بعضی موارد ملزم به رعایت تعهدات بین‌المللی خود، برخاسته از معاهدات و اسناد بین‌المللی نیز است. از این رو این تعهدات فراملی می‌تواند موجب نوعی خاصیت تعدیل‌کنندگی رویکردهای قانونگذار چه در مورد تصویب قوانینی که موضوع آنها مقررات مربوط به سرمایه‌گذار است و چه قوانینی که موضوع آنها رعایت اصول و اهداف توسعه پایدار است، گردد.

## ۲. نظام بین‌المللی

پرواضح است که در جهان کنونی اقدامات فردی دولت‌ها نتایج لازم و مطلوب بلندمدت را در پی نخواهد داشت و لزوم اقدام به‌صورت جمعی و هماهنگ بدیهی است. هرچند اقدامات بین‌المللی در این زمینه نیز به‌نوعی منعکس‌کننده همان اقدامات ملی است، جلوه یافتن عزم ملی در قالبی بین‌المللی می‌تواند موجب شکل‌گیری اصولی مستحکم شود که هرچند ماهیت آن حقوق غیرالزام‌آور و در اصطلاح حقوق نرم خواهد بود، اما نقطه آغازی مناسب به‌نظر می‌رسد. ترتیبات نوین در سطح بین‌المللی از طریق مجموعه‌ای پیچیده از معاهدات، از جمله

معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد که در بردارنده شروط سرمایه‌گذاری هستند، موافقت‌نامه‌های همکاری اقتصادی و توافقنامه‌های منطقه‌ای، به منصفه ظهور می‌رسند. پیچیدگی ناشی از این ابزارهای مختلف و تعدد آنها که موجب نقصان، همپوشانی، و بعضاً تعارض در نظام معاهدات بین‌المللی سرمایه‌گذاری می‌شود، از مهم‌ترین چالش‌هایی است که باید با آن مواجه شد تا دیدگاهی هماهنگ ولی نه لزوماً یکسان در این خصوص ایجاد شود. چالش مهم دیگر نیز نیاز به تقویت بعد توسعه معاهدات سرمایه‌گذاری است که متعادل و هماهنگ ساختن حقوق و تعهدات دولت‌ها و سرمایه‌گذاران، حصول اطمینان از وجود فضا و توجه کافی به ترتیبات مربوط به توسعه پایدار و مستحکم‌تر کردن شروط و تعهدات مربوط به ارتقای سرمایه‌گذاری و همراه ساختن آن با اهداف توسعه پایدار، از مهم‌ترین اقدامات در این زمینه است. معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی به مثابه ابزاری برای ارتقای توسعه پایدار، مقررات و اقدامات ملی را از طریق ارائه تضمین به سرمایه‌گذاران خارجی، پایداری و شفافیت مقررات داخلی و اجرای سیستماتیک و نظام‌مند ترتیبات نوین در کشور و حصول اطمینان از اجرای آنها توسط سرمایه‌گذار خارجی، تکمیل می‌کنند. برای اتخاذ ترتیبات نوین در سطح بین‌المللی دو اقدام اساسی لازم است. این اقدامات یکی مربوط به تغییر شیوه فعالیت دولت در زمینه توسعه پایدار اقتصادی، و دیگری جزئی‌تر و مربوط به مطلوب ساختن وضعیت معاهدات سرمایه‌گذاری است. به نظر می‌رسد که بهترین نتیجه در صورت تمرکز بر هر دو مورد و تلاش برای پیشبرد هر دو اقدام به دست خواهد آمد. هرچند به نظر می‌رسد وجود و پیگیری هر یک از آنها در نهایت به حاصل شدن دیگری نیز منجر خواهد شد. تلاش برای رویارویی با چالش‌های توسعه پایدار از طریق معاهدات سرمایه‌گذاری مستلزم ایجاد ترتیباتی نوین در این معاهدات است. این تغییرات هم از طریق گنجاندن این ترتیبات در معاهدات سرمایه‌گذاری میسر است و هم از طریق نگاه نوین به معاهدات سنتی موجود، به گونه‌ای که به نفع ترتیبات نوین تفسیر شوند (Mann, 2012: 537). در این مسیر حداقل سه اقدام ضروری است:

۱. گنجاندن تعهدات الزام‌آور و مبنایی در معاهدات سرمایه‌گذاری در خصوص ارتقا و تسهیل سرمایه‌گذاری در زمینه توسعه پایدار. در حال حاضر اغلب معاهدات سرمایه‌گذاری اغلب به ارتقای سرمایه‌گذاری صرفاً به‌طور غیرمستقیم و از طریق اعطای حمایت از سرمایه‌گذاری صورت می‌پذیرد و هیچ تعهدی برای کشور سرمایه‌فرست برای گسترش سرمایه‌گذاری مسئولانه مشاهده نمی‌شود. اغلب معاهدات در این زمینه صرفاً با بیانی غیرالزام‌آور در مقدمه معاهدات به توسعه سرمایه‌گذاری اشاره دارند، البته به تدریج شاهد نمونه‌هایی هستیم که ماده‌ای در معاهدات سرمایه‌گذاری را به توسعه پایدار و توجه به محیط زیست اختصاص داده‌اند. اما نیاز به گسترش این تفکر و ایجاد تعهدات الزام‌آور وجود دارد.
۲. متناسب و متقابل ساختن تعهدات دولت‌ها و سرمایه‌گذاران و ارتقای سرمایه‌گذاری مسئولانه.

اغلب معاهدات کنونی سرمایه‌گذاری اغلب بر تعهدات کشور سرمایه‌پذیر تأکید دارند و کمتر به تعهدات سرمایه‌گذار و لزوم سرمایه‌گذاری مسئولانه از سوی اشخاص اخیر اشاره دارند. هرچند معمولاً تعهدات الزام‌آور حقوقی برای شرکت‌ها و افراد سرمایه‌گذار در قوانین داخلی کشورها موجود است، این‌گونه تعهدات در معاهدات سرمایه‌گذاری کمتر به چشم می‌خورد و تعهدات ملی اخیرالذکر نیز به‌طور سنتی بر سرمایه‌گذاران خارجی اعمال نمی‌شود. بنابراین می‌توان حداقل برخی تعهدات ماهوی را برای سرمایه‌گذاران خارجی در معاهدات سرمایه‌گذاری پیش‌بینی کرد. برای مثال می‌توان سرمایه‌گذاران خارجی را ملزم کرد تا از قواعد و الزامات مربوط به سرمایه‌گذاری که در قوانین ملی کشور سرمایه‌پذیر وجود دارد، هم در مراحل آغازین، هم اجرا و هم خاتمه سرمایه‌گذاری و تعهدات مربوط به جمع‌آوری تأسیسات مربوط به پروژه، پیروی کنند. چنین تعهدی این امکان را برای کشور سرمایه‌پذیر فراهم می‌آورد که در صورت عدم تطابق سرمایه‌گذار با الزامات مذکور، به طرح دعوا علیه وی بپردازد. در زمینه این ترتیبات، یعنی متناسب و متقابل کردن تعهدات، کشورهای سرمایه‌پذیر می‌توانند از امکان گنجاندن برخی رهنمودها در معاهدات سرمایه‌گذاری و الزام‌آور ساختن آنها نیز استفاده کنند. برای مثال با گنجاندن رهنمودهای سازمان ملل در خصوص تجارت و حقوق بشر، نه تنها در جهت متقابل و متناسب ساختن تعهدات پیشرفت حاصل می‌شود، بلکه این موضوع موجب گسترش استاندارد مسئولیت اجتماعی شرکت‌های سرمایه‌گذار نیز می‌شود (UNCTAD, 2011a: 18).

۳. *محافظت از کشور سرمایه‌پذیر در مقابل تقبل تعهدات ناعادلانه و ایجاد هزینه بالا برای طرح دعوا.* اغلب معاهدات سرمایه‌گذاری با اعطای حق مراجعه مستقیم به مراجع حل اختلاف به سرمایه‌گذار خارجی، برای محکوم کردن دولت سرمایه‌پذیر یا شانه خالی کردن از تعهدات، به افزایش حمایت از سرمایه‌گذار خارجی می‌پردازند. قدرت این حمایت رو به افزایش از تعداد پرونده‌هایی که در دهه اخیر با عنوان اختلاف دولت-سرمایه‌گذار طرح شده‌اند، و اغلب علیه دولت‌های در حال توسعه بوده‌اند، مشخص‌تر می‌شود. دولت‌های سرمایه‌پذیر با ادعاهایی بسیار زیاد و اعجاب‌انگیز مواجه شده‌اند.<sup>۱</sup> اگر هزینه‌های دادرسی یا داوری را، که در اختلافات بین‌المللی هزینه‌های هنگفتی است، به این مبالغ اضافه کنیم، می‌توان به فشار بسیار زیادی که بر کشورهای سرمایه‌پذیر در نقش خوانده وارد می‌شود و همچنین لزوم حفظ فضا برای تعیین ترتیبات سرمایه‌گذاری برای کشور سرمایه‌پذیر، پی برد (Mann, 2012 : 540). این سه مورد اساسی که به آنها اشاره شد، مواردی است که باید در معاهدات سرمایه‌گذاری مورد توجه جدی قرار گیرد. هرچند این دقت نظر در بعضی معاهدات مشاهده می‌شود، در قسمت‌های مربوط به قلمرو معاهده، استاندارد رفتاری و حمایت از سرمایه‌گذار، شروط حل اختلاف، تعهدات

۱. در این پرونده دولت سرمایه‌پذیر به ۷۶۷ میلیون دلار محکوم شد.

سرمایه‌گذار در خصوص سرمایه‌گذاری مسئولانه، استثنائات به نفع دولت سرمایه‌پذیر در خصوص منفعت عمومی، عدم اجازه کاهش شرایط استاندارد قواعد کار یا زیست‌محیطی، تعهد به توسعه سرمایه‌گذاری و ارتقای اقتصاد دولت سرمایه‌پذیر، و الزامات مربوط به پایان سرمایه‌گذاری و خروج سرمایه‌گذار، باید به‌طور جدی و از موضعی مستحکم از سوی کشورهای سرمایه‌پذیر اغلب در حال توسعه، که همان‌طور که اشاره شد در حال تبدیل به بازیگران محوری عرصه سرمایه‌گذاری خارجی‌اند، مورد مطالبه قرار گیرند.

### بررسی جایگاه ترتیبات نوین در رویه ایکسید

اصولاً در صورت بروز اختلاف میان طرفین، موضوع دادرسی محاکم داوری می‌شوند تا محاکم بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری، از این رو غنی‌ترین و همچنین در دسترس‌ترین رویه قضایی موجود، رویه برخاسته از دادرسی‌های ایکسید است. براساس آنچه گفتیم، در فضای نظری تمایل به شناسایی تعهد به توسعه اقتصاد کشور میزبان برای سرمایه‌گذار خارجی وجود دارد. در این قسمت تلاش می‌شود تا با بررسی برخی از آرای ایکسید مشخص شود که آیا این نهاد به‌عنوان مهم‌ترین نهاد حل‌وفصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری، تمایلی به شناسایی این تعهد و اتخاذ تصمیم بر مبنای آن دارد یا خیر.

#### *Phoenix Action Ltd. v. Czech Republic .1*

در آوریل ۲۰۰۱ در پی رسیدگی‌های کیفری مقامات جمهوری چک در خصوص فرار مالیاتی و عوارض گمرکی از سوی آقای ولادیمیر بنو در قالب شرکت Beno Praha، فرد مذکور از این کشور به اسرائیل فرار کرده و در این کشور شرکت Phoenix را تأسیس می‌کند. آقای بنو در قالب این شرکت جدید به خرید سهام و تصاحب شرکت مذکور در چک و شعبات آن می‌پردازد و در زمان این تصاحب، مقامات چک در خصوص رسیدگی کیفری علیه آقای بنو، به توقیف حساب‌های بانکی و دفاتر مالی شرکت موجود در کشور چک پرداختند. در پی این حوادث، شرکت Phoenix براساس معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری میان اسرائیل و جمهوری چک، درخواست داوری خود را در ایکسید ثبت و ادعا کرد که جمهوری چک معاهده مذکور را نقض کرده است.

در خصوص موضوع مربوط به بحث تعهد به توسعه، دیوان اعلام کرد که شعبات ایکسید تنها در خصوص قضایی صالح به رسیدگی هستند که مستقیماً از سرمایه‌گذاری ناشی شده باشد. دیوان ادامه می‌دهد که رویه ایکسید ضوابط متفاوتی را برای شناسایی یک عمل به‌عنوان سرمایه‌گذاری ارائه داده است. دیوان بررسی وجود یا نبود سرمایه‌گذاری را با اعمال تست سالینی آغاز می‌کند و پس از اعلام ضوابط سرمایه‌گذاری براساس رأی مذکور، اعلام می‌کند که نظرهای

متفاوتی در خصوص ضوابط سالیانی وجود دارد و در مورد لزوم وجود ضابطه منجر شدن سرمایه‌گذاری به توسعه کشور میزبان اتفاق نظر وجود ندارد. دیوان ادامه می‌دهد که حصول اطمینان از اینکه یک سرمایه‌گذاری به توسعه اقتصادی کشور میزبان منجر شده است، غیرممکن است، به خصوص به این دلیل که نمی‌توان به‌طور قاطع گفت که چه چیزی توسعه تلقی می‌شود و دیوان باید دیدگاهی کمتر جاه‌طلبانه در خصوص منجر شدن سرمایه‌گذاری به توسعه کشور میزبان اتخاذ کند. بنابراین دیوان خود را ملزم به رعایت ضوابط سالیانی نمی‌بیند و به‌جای آن، به ارائه معیارهای خود برای تلقی یک موضوع به‌عنوان سرمایه‌گذاری می‌پردازد و شش معیار ارائه می‌دهد. از میان این شش معیار، دیوان به‌جای تأکید بر منجر شدن سرمایه‌گذاری به توسعه کشور میزبان، بر انجام عملیاتی به‌منظور توسعه یک فعالیت اقتصادی در کشور میزبان (معیار چهارم)، و سرمایه‌گذاری منابع با حسن نیت (معیار ششم) تأکید می‌کند.

#### ۲. *Biwater Gauff Ltd. v. United Republic of Tanzania*

در سال ۲۰۰۳ میلادی بانک جهانی و سایر مؤسسات مالی بین‌المللی مبلغ ۱۴۰ میلیون دلار به جمهوری تانزانیا به‌منظور تعمیر و بهبود منابع آب و فاضلاب و زیرساخت‌های مربوطه اعطا کردند. کشور مذکور اجرای طرح را به مناقصه گذاشت و شرکت بی‌واتر گاوف برنده مناقصه شد و شعبه‌ای در تانزانیا به‌منظور اجرای پروژه تأسیس کرد. اما پس از مدتی و به‌علت مدیریت ناصحیح منابع، شرکت مذکور با مشکلات مالی در خصوص پروژه مواجه شد و درخواست مذاکره مجدد قرارداد برای جلوگیری از تعطیل شدن پروژه داد. کشور تانزانیا این درخواست را قبول کرد و طرفین با تعیین چند متخصص به مذاکره مجدد پرداختند. این مذاکرات به‌علت عدم قبول پیشنهاد از سوی شرکت با شکست مواجه شد و بدین‌سبب مقامات مربوطه در کشور تانزانیا به لزوم فسخ قرارداد تأکید ورزیدند. شرکت با این فسخ مخالفت و اعلام کرد که مصمم به ادامه اجرای پروژه است، مگر آنکه یک دیوان داوری که براساس قرارداد بین طرفین تشکیل شده باشد، رأی به خاتمه قرارداد دهد. با وجود این کشور تانزانیا مدیر شعبه شرکت در تانزانیا را از کشور اخراج کرد و خود مدیر جدیدی برای شرکت انتخاب کرد و کنترل منابع مالی شرکت را نیز در دست گرفت. بر این مبنای شرکت بی‌واتر گاوف به طرح دعوا در ایکسید علیه جمهوری تانزانیا، به‌علت نقض معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری میان بریتانیا و جمهوری تانزانیا اقدام کرد. در خصوص مبحث موردنظر ما، براساس ماده ۲۵ عهدنامه ایکسید، دیوان در خصوص اختلافاتی صلاحیت دارد که مستقیماً ناشی از سرمایه‌گذاری باشد؛ اصطلاحی که برخلاف بسیاری از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، در عهدنامه تعریف نشده است. تانزانیا اعلام کرد که مفهوم سرمایه‌گذاری براساس رویه ایکسید مشخص شده است و سپس به ضوابط مذکور در رأی سالیانی اشاره کرد. تانزانیا در ادامه اعلام کرد که حتی اگر اقدامات شرکت را براساس تعریف

موجود در معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری تلقی کنیم، اقدامات شرکت مطابق با ضوابط سالینی نیست و در نتیجه دیوان براساس عهدنامه ایکسید صلاحیت رسیدگی به پرونده را ندارد. دیوان با رد ادعای تانزانیا اعلام کرد که ضوابط سالینی براساس عهدنامه ایکسید نه انحصاری هستند و نه الزامی، بلکه صرفاً می‌توان آنها را مدنظر قرار داد. دیوان ادامه می‌دهد که به‌علت ارائه تعریفی بسیار گسترده از واژه سرمایه‌گذاری در معاهده دوجانبه بین بریتانیا و تانزانیا، تانزانیا نمی‌تواند با استناد به معیار سالینی خواستار تفسیر مضیق از واژه سرمایه‌گذاری شود و با استناد به عدم تأثیر پروژه در توسعه این کشور، به رد صلاحیت دیوان بپردازد.

### ۳. *Saba Fakes v. Republic of Turkey*

در فاصله سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳ میلادی، دولت ترکیه تحقیقات کیفری و دعاوی حقوقی متعددی را علیه خانواده Uzan در ترکیه که صاحب صنایع متعددی، از جمله شرکت مخابراتی Telsim در این کشور بوده‌اند، اجرا می‌کند. این اقدامات در نهایت به توقیف و فروش بسیاری از اموالی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت مالکیت این خانواده بود، منجر می‌شود. خواهان این پرونده، آقای Fakes که از اتباع هلند بوده است، در جولای ۲۰۰۳ مالک ۶۶ درصد از سهام شرکت Telsim می‌شود و اعلام می‌دارد که اقدامات دولت ترکیه به مصادره و سلب مالکیت غیرقانونی سهام شرکت و اجبار وی به فروش این سهام به شخص ثالث منجر شده است، به‌خصوص آنکه اقدامات دولت ترکیه سبب سقوط شدید ارزش سهام شرکت شده است. در نهایت، خواهان با ادعای نقض معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری میان ترکیه و هلند توسط ترکیه، به طرح دعوا علیه دولت ترکیه در ایکسید می‌پردازد.

دولت ترکیه در رد صلاحیت دیوان به عدم شمول معاهده دوجانبه بین این کشور و هلند بر سرمایه‌گذاری خواهان اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد که دیوان در بررسی این موضوع باید با توجه به بند ۱ ماده ۲۵ عهدنامه ایکسید، به اعمال ضوابط سالینی بپردازد. ترکیه نتیجه می‌گیرد که سرمایه‌گذاری ادعایی از سوی خواهان فاقد ضوابط مذکور است. دیوان با رد ادعای ترکیه اعلام می‌کند که از یک سو، وجود ضوابط ورود حجم بالای سرمایه، وجود مدت معین و نسبتاً طولانی و وجود عنصر خطر، برای آنکه عملیاتی به‌عنوان سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شود، کافی است. از سوی دیگر، دیوان بر این اعتقاد نیست که تأثیر یک عملیات بر توسعه کشور میزبان باید به‌عنوان ضابطه‌ای در قالب عهدنامه ایکسید در نظر گرفته شود. دیوان اعلام کرده است که شعباتی از ایکسید که عنصر تأثیرگذاری عملیات در توسعه کشور میزبان را به‌عنوان یکی از معیارهای تشخیص یک عملیات به‌عنوان سرمایه‌گذاری در نظر گرفته‌اند، مانند آنچه در قضیه سالینی رخ داده است، اغلب برای توجیه نظر خود بر مقدمه عهدنامه ایکسید تکیه کرده‌اند، اما دیوان حاضر بر این نظر است که هرچند مقدمه عهدنامه بر نیاز به همکاری



بین‌المللی برای توسعه اقتصادی اشاره دارد، ولی چنین تفسیری از این مقدمه که به اعمال ضابطه گراف تأثیر بر رشد اقتصادی کشور میزبان منجر شود، وجهه‌ای ندارد.

#### ۴. نتیجه‌گیری در خصوص دیدگاه ایکسید

آنچه بیان شد صرفاً دو رأی از میان تعداد زیادی از آرای نهاد ایکسید بود. البته دو رأی مذکور جزء مهم‌ترین آرای هستند که مستقیماً به مسئله تعهد به توسعه کشور میزبان و آنچه به تست سالیسی معروف شده است، پرداخته‌اند. به علاوه، سه رأی مذکور از سه دیدگاه متفاوت به رد ضابطه تعهد به توسعه پرداخته‌اند که این خود دلیل دیگری بر اهمیت آرای مذکور است، هرچند دلیل زیربنایی هر سه دیدگاه یکسان است. الزامی نبودن مقدمه عهدنامه، عدم قابلیت ارزیابی دقیق منجر شدن به توسعه و گراف بودن این تعهد، از جمله مهم‌ترین دلایلی است که تمامی شعباتی که به رد معیار تعهد به توسعه معتقد بوده‌اند، به آنها توسل جسته‌اند. برای رسیدن به نتیجه‌ای در خصوص نظر شعبات ایکسید و یافتن نتیجه صحیح در خصوص تمایل یا عدم تمایل به شناسایی تعهد به توسعه، بار دیگر به نظریات مخالف و موافق می‌پردازیم. دیدگاه مخالف با اعمال ضوابط سالیسی بر این عقیده است که تلاش برای یافتن تأثیر سرمایه‌گذاری توسعه کشور میزبان مستلزم بررسی سرمایه‌گذاری با دیدگاه شخصی، پس از وقوع آن است ( burger 526: Laurence, 2013)؛ منظور آن است که برای بررسی عملیاتی تحت مفهوم سرمایه‌گذاری، سه معیار ورود منابع، مدت زمان و وجود خطر کفایت می‌کند، زیرا معیارهای مذکور عینی‌اند، اما ضابطه کمک به توسعه کشور میزبان ضابطه‌ای شخصی و صرفاً نتیجه سه معیار دیگر است. به علاوه، اگر هدف یک معاهده سرمایه‌گذاری، جذب سرمایه خارجی برای کشور میزبان است، در نتیجه تشخیص مفهوم سرمایه‌گذاری را نمی‌توان وابسته به تشخیص دیوانی دانست که سال‌ها و شاید دهه‌ها پس از وقوع عملیات سرمایه‌گذاری تشکیل می‌شود و با توجه به گذشته و با وجود ورود سرمایه عظیم به یک کشور، رأی به عدم تأثیرگذاری بر توسعه کشور میزبان دهد ( burger 528: 2013). دیدگاهی که موافق با به کار بستن معیار تعهد به توسعه کشور میزبان است، اعلام می‌کند که هرچند در رویه سال‌های اخیر ایکسید برخی دیوان‌ها این معیار را کنار گذاشته‌اند، اما برخی نیز همچنان به این معیار پایبندند. به علاوه همین آرای که مخالف ضابطه تعهد به توسعه هستند، برای آغاز ارائه تحلیل خود از یک سرمایه‌گذاری، کار خود را با معیار سالیسی آغاز می‌کنند و در طرق کنار گذاشتن این معیار نیز با یکدیگر تناقض دارند ( Grabowski, 2014: 308). این در حالی است که مقدمه عهدنامه ایکسید به صراحت هدف معاهده را تقویت و توسعه اقتصاد کشورها را از طریق ترغیب سرمایه‌گذاری خصوصی اعلام کرده است و بر این مبنا، کنار گذاشتن این ضابطه به دستیابی به هدف معاهده کمک نخواهد کرد (Grabowski, 2014: 309). همان‌طور که ذکر شد، نگرانی اصلی‌ای که زیربنای رد معیار سالیسی را تشکیل می‌دهد، رد

صلاحیت دیوان از سوی کشور سرمایه‌پذیر است؛ درحالی‌که اگر به این معیار به‌عنوان ضابطه‌ای برای صدور رأی به نفع دولت میزبان و پرداخت خسارت از سوی سرمایه‌گذار خارجی نگریسته شود، وجهی برای نگرانی باقی نمی‌ماند و به‌علاوه، قدم بزرگی به‌سوی دستیابی به توسعه پایدار از طریق این ترتیبات برداشته خواهد شد.

## نتیجه‌گیری

هرچند جذب سرمایه‌گذاری امری پراهمیت است، گذر زمان مشخص کرد که موضوع اخیر به‌خودی‌خود لزوماً امری مطلوب نیست. توجه به توسعه پایدار موجب شد تا ذهن اندیشمندان و سیاستگذاران به تدریج متوجه تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم و شیوه اعمال آن بر محیط زیست و منابع طبیعی شود. ترتیبات نوین سرمایه‌گذاری در حال ظهورند و چاره‌ای جز اعتراف به گسترش آنها وجود ندارد. ترتیبات نوین در پی ایجاد چارچوبی گسترده، مستحکم و به‌هم‌پیوسته برای توسعه است و صرف ایجاد این چارچوب، فارغ از آنکه به هر میزان استادانه طراحی شده باشد، مطلوب نیست، بلکه این ترتیبات باید به‌صورت جدی وارد گفتمان اقتصادی و سیاستگذاری کشورها شود. ترتیبات نوین که در مرکز خود، دستیابی به توسعه پایدار زیست‌محیطی و اقتصادی را به‌عنوان هدف غایی دنبال می‌کنند، هرچند به‌خودی‌خود مفهوم کاملاً نوینی نیستند، تاکنون آنچنان‌که باید و شاید به آنها توجه نشده است و به طریقه نظام‌مند وارد سیاست اقتصادی کشورها، برنامه‌های سرمایه‌گذاران و معاهدات سرمایه‌گذاری نشده‌اند. ترتیبات نوین سرمایه‌گذاری برای دستیابی به همبستگی اقتصادی برای دستیابی به اهداف توسعه‌محور و ورود به تدابیر توسعه، گسترش مفهوم سرمایه‌گذاری مسئولانه از سوی بخش خصوصی و نهادینه کردن مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تلاش می‌کنند. حوزه مربوط به ترتیبات نوین را، هم به‌علت آنکه تاکنون توجه کافی به آن نشده است و هم به‌علت گستردگی آن، نمی‌توان به‌طور کامل و به‌صورت مصداقی مشخص و معین کرد. اما، تلاش شد تا از دو روش مصداقی و معیاری در معرفی این مفهوم استفاده شود. در روش مصداقی، دو دیدگاه در خصوص ترتیبات نوین سرمایه‌گذاری وجود دارد که یکی بیشتر بر جنبه‌های زیست‌محیطی تأکید می‌کند و دیگری بر جنبه‌های تجاری و اقتصادی؛ که این دو دیدگاه خود شاهدی دیگر بر این مدعاست که مفهوم توسعه پایدار از تعریف سنتی آن گذار کرده است. اقتصاد سبز، رشد سبز و توسعه با کربن پایین، مهم‌ترین مصادیق ترتیبات نوین در حوزه دیدگاه محیط زیست‌محور و زنجیره‌های جهانی ارزش‌افزوده و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، مهم‌ترین مصادیق موجود در حوزه دیدگاه تجارت‌محور است. البته اگر هر یک از این دیدگاه‌ها به‌درستی به کار رود، لاجرم نتایج موردنظر حوزه دیگر را نیز در پی خواهد داشت؛ دو مسیر متفاوتی که

مقصد مشترکی را دنبال می‌کنند. در روش معیاری باید به تغییر سیاست‌های ملی و بین‌المللی به‌منظور گنجاندن نظام‌مند ترتیبات نوین در برنامه اقتصادی دولت‌ها توجه کرد که در آنها ترتیبات نوین به‌طور نظام‌مند قرار می‌گیرد. تنظیم مقررات متناسب، هدایت سرمایه در بخش‌های زیربنایی بدون دخالت بیش‌ازحد دولت در فعالیت‌های سرمایه‌گذار خارجی، ایجاد فضای همکاری بین سرمایه‌گذار خارجی و فعالان بخش خصوصی داخلی، توجه به اشتغال‌زایی، آموزش نیروی انسانی، ایجاد مشوق‌های مالیاتی و شفاف بودن مقررات داخلی، مهم‌ترین معیارهایی است که می‌تواند به ایجاد ترتیبات نوین در سطح ملی منجر شود. اما مهم‌ترین ضابطه‌ای که وقوع تمامی موارد مذکور در سطح ملی وابسته به آن است، بر حق قانونگذاری دولت سرمایه‌پذیر و محافظت از آن تأکید دارد. در واقع نقش رو به‌گسترش و تأثیرگذار کشورهای در حال توسعه بر لزوم حفظ این حق صحنه می‌گذارد. اغلب ادبیات موجود در زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و معاهدات مربوطه صرفاً بر حقوق اعطایی به سرمایه‌گذار خارجی و ایجاد تعهدات متفاوت برای دولت سرمایه‌پذیر تأکید دارند، بدون آنکه به‌طور مناسبی به تعهدات سرمایه‌گذار بپردازند. در سطح بین‌المللی نیز علاوه بر لزوم ایجاد اقدامات هماهنگ بین‌الدولی برای رسیدن به توسعه پایدار از طریق ترتیبات نوین، لزوم همراه ساختن سرمایه‌گذاران خصوصی با جریان دولتی، انکارناپذیر است. در غیر این صورت به‌بار نشستن تلاش دولتمردان به درازا خواهد کشید و نتیجه نامطمئن خواهد بود. در این سطح نیز، مفهوم مبنایی برای ثمربخش بودن تلاش‌های بین‌المللی، حرکت به سمت تغییر شیوه حکمرانی دولت‌ها به سوی دولت‌های توسعه‌محور است. دولت‌های توسعه‌محور که خود را درگیر امور جزئی اقتصادی نمی‌کنند، بلکه شرایط لازم را برای توسعه اقتصادی و بسیج سرمایه بین‌المللی برای توسعه پایدار فراهم می‌آورند، ابزار بسیار مناسبی برای اجرای ترتیبات نوین خواهند بود. در نهایت و به‌طور خلاصه می‌توان گفت، ترتیبات نوین سرمایه‌گذاری به مرحله‌ای از ضرورت رسیده‌اند که باید با رویکردی حقوقی در قالب حقوق قوام‌یافته یا سخت وارد نظام حقوقی بین‌المللی شوند و از مرتبه‌ای بالاتر از قوانین داخلی در معاهدات اعمال شوند که هم تضمین‌کننده منافع سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر باشد و هم اصول و اهداف توسعه پایدار و قوانین مربوط به آن.

## منابع

### ۱. فارسی

#### الف) کتاب‌ها

۱. تودارو، مایکل. ۸۹. توسعه اقتصادی در جهان سوم. ج ۱، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران:

سازمان برنامه و بودجه.  
۲. برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (۱۳۸۸). حقوق تجارت بین الملل و محیط زیست، ترجمه محمد حبیبی و سیامک سلیمزاده، تهران: آثار اندیشه.

### ب) مقالات

۳. فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۴). «درآمدی بر توسعه پایدار در عصر ظهور»، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی.

### ۲. انگلیسی

#### A) Books

4. Abeasi, Kwasi (2012). "Host Country Policies on FDI with Particular Reference to Developing Countries – A Brief Commentary", In *The Development Dimension of FDI: Policy- and Rule-Making Perspectives*. Proceedings of the Expert Meeting held in Geneva.
5. Banerjee, Subhabrata Bobby (2003). *Who Sustains Whose Development? Sustainable Development and the Reinvention of Nature*, Sage Publication. Organization Studies.
6. Cosbey, Aaron (2004). *Lessons Learned on Trade and Sustainable Development: Distilling six years of research from the Trade Knowledge Network*, International Institute for Sustainable Development: chapter 3.
7. Neumayer, Eric (2001). *Greening trade and investment: environmental protection without protectionism*, earth scan publisher.
8. Nordstrom, Hakan and Scott Vaughan. (1999). *Trade and Environment*, Special Studies WTO Publication, Geneva.
9. Puchala and others (1989). *the challenge of relevance: the United Nations in a changing world environment*, academic council on the United Nations system.

#### B) Articles

10. Burger, Laurence (2013). "The Trouble with Salini (Criticism of and Alternatives to the Famous Test)." *ASA Bulletin*.
11. Denisia, Vintila (2010). "Foreign Direct Investment Theories: an Overview of the Main FDI Theories." *European Journal of Interdisciplinary Studies* 2, Issue 2: 104.
12. Grabowski, Alex (2014). "The Definition of Investment under the ICSID Convention: a Defense of Salini." *Chicago Journal of International Law*.
13. Irandoust, Manuchehr (2010). "A Survey of Recent Developments in the Literature of FDI-Led Growth Hypothesis." *The Journal of World Investment & Trade*.
14. Kumar, Nagesh (2012). "Use and Effectiveness of Performance Requirements:

What Can Be Learnt from the Experiences of Developed and Developing Countries?" In *The Development Dimension of FDI: Policy- and Rule-Making Perspectives*. Proceedings of the Expert Meeting held in Geneva.

15. Lowe, Vaughan (2007). "Changing Dimension of International Investment Law", University of Oxford Faculty of Law Legal Studies Research Paper Series. Working Paper No 4/2007.
16. Mann, Howard (2012). "The Right of States to Regulate and International Investment Law: a Comment." In *The Development Dimension of FDI: Policy- and Rule-Making Perspectives*. Proceedings of the Expert Meeting held in Geneva.
17. Munoz, Heraldo (1994). "The Green vs. Trade Debate in the Americas", *Journal of Environment and Development*.
18. Nagaraja, B. (2013). "Can Sustainable Development Be Achieved By The Employment of Foreign Direct Investment? Yes", *International Journal of Humanities and Social Science Invention*.
19. Trachtman, Joel P (2012). "FDI and the Right to Regulate: Lessons from Trade Law", In *The Development Dimension of FDI: Policy- and Rule-Making Perspectives*, Proceedings of the Expert Meeting held in Geneva.

#### C) Documents & Cases

20. OECD (1994). "Methodologies for Environment and Trade Reviews, General Distribution." OECD Publication, Paris.
21. OECD (2015). "OECD and Post-2015 Reflection: Investment for Sustainable Development." OECD Publication, Paris.
22. The 4th UN Conference on LDCs (the Istanbul Programme)
23. UN Guidelines on Business and Human Rights
24. UN Johannesburg Plan of Implementation
25. UN Millennium Development Goals (UNMDG)
26. UNCTAD. 2003. "Foreign Direct Investment and Performance Requirements: New Evidence from Selected Countries." UN Pub., New York and Geneva.
27. UNCTAD. 2012a. "Investment Policy Framework for Sustainable Development." Division on Investment. UN Publications, Geneva.
28. UNCTAD. 2015b. "Investing in Sustainable Development Goals\_ Action Plan for Private Investment in SDGs." Special Edition for the Third International Conference on Financing for Development. Un Pub. Geneva.
29. United Nations. (1945). "United Nations Charter."
30. United Nations. (1961). "Resolution on the Development Decade." GA Resolution 1710 (XVI): Operative.
31. United Nations. (2003). "Monterrey Consensus on Financing for Development." UNDESA, Mexico:
32. United Nations. (2015). "The Millennium Development Goals Report." UN Publications, New York.

**D) Websites**

33. Transfer of Price: The price at which divisions of a company transact with each other. Transactions may include the trade of supplies or labor between departments. Read more: Transfer Price Definition | Investopedia <http://www.investopedia.com/terms/t/transferprice.asp#ixzz3rNcTTenZ>